

## اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه معاهده معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری

اسلامی ایران و جمهوری فدرال برزیل»

### مقدمه

کشورهایی که ارتباطات گسترده‌ای با یکدیگر دارند، به صورت معمول با انعقاد موافقتنامه‌های متعددی از قبیل اقتصادی، فرهنگی و غیره سطح همکاری‌های بین خود را ارتقا می‌دهند. یکی از موافقتنامه‌هایی که در این راستا قابل ذکر است معاهدات دوجانبه همکاری حقوقی<sup>۱</sup> است که به چند دسته تقسیم می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به معاهدات استرداد محکومان، انتقال محکومان و سازوکارهای همکاری حقوقی و قضایی مانند آموزش نیروهای انسانی اشاره کرد. این معاهدات وضعیت این مسئله را که آیا باید همکاری حقوقی و قضایی در میان دو کشور صورت گیرد و در صورت مثبت بودن پاسخ، این موضوع را که سطح همکاری باید تا چه میزان باشد تعیین می‌کنند. در واقع برای نیل به اهداف انعقاد این قبیل موافقتنامه‌ها، کشورهای طرف چنین معاهداتی باید بتوانند به قابل اتکا بودن، توانایی و کارکرد سیستم حقوقی یکدیگر اطمینان کنند.

در ابتدا لازم به نظر می‌رسد که گونه‌شناسی موافقتنامه‌های همکاری حقوقی و قضایی را روشن کنیم تا جایگاه لایحه «معاهده معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال برزیل» مشخص شود:

۱. **معاهدات راجع به استرداد مجرمان و متهمان:** در این گونه معاهدات، شخصی، به دلیل رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات، شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته است یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌کند. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضاشونده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل کند.

مشخصات لایحه

دوره یازدهم - سال اول

شماره ثبت:

۱۱۹

شماره چاپ:

۱۲۶

تاریخ چاپ:

۱۳۹۹/۵/۲۷

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفتر مطالعات

حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۷۱۹۶

تاریخ انتشار:

۱۳۹۹/۷/۲۸

1. Mutual Legal Assistance (MLA).

درواقع «استرداد یک فرایند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا، به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به دلیل جرم و یا جرائمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد»<sup>۱</sup>. موافقتنامه‌های دوجانبه استرداد متهمان و محکومان از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.<sup>۲</sup>

**۲. معاهدات راجع به انتقال محکومان:** در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود که تبعه آن کشور نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب، به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به دلیل داشتن علقه سیاسی - حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به کشورش است تا مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری کند.

بر این اساس، معمولاً در این‌گونه از موافقتنامه‌ها، محکوم می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادرکننده حکم و کشور اجراکننده حکم است. درواقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نیستند و اعلام رضایت آنها به‌عنوان عنصری ضروری از فرایند تحقق انتقال است.

براساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست درحالی‌که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است درحالی‌که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور صادرکننده حکم نقض شده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است درحالی‌که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

**۳. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری:** این نوع موافقتنامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم، مجرمان و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضایی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشوا و ارتشا مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به‌دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضایی دوجانبه وارد عمل شوند. درواقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.<sup>۳</sup>

1. UNODC Manual on Mutual Legal Assistance and Extradition, Vienna September 2012, p.41.

۲. به‌عنوان مثال موافقتنامه استرداد بین کانادا و اروگوئه به سال ۱۸۸۵ باز می‌گردد.

3. Typology on Mutual Legal Assistance in Foreign Bribery Cases, p. 3&13, available at: <http://www.oecd.org/daf/anti-bribery/TypologyMLA2012.pdf>

۴. **معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی:** این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضایی، جلب نظر کارشناس و ... منعقد می‌شوند. چنانچه از عنوان لایحه مورد بررسی در گزارش حاضر برمی‌آید، موضوع این موافقتنامه «معاضدت کیفری» است و نه «انتقال محکومان به حبس» و یا «معاضدت مدنی» بنابراین آنچه در ذیل معاهدات نوع سوم عنوان شد می‌بایست درخصوص این لایحه مورد توجه قرار گیرد.

### آثار تصویب معاهده

مطابق با مقدمه موافقتنامه، یکی از اهداف آن، گسترش مناسبات دو کشور و ارتقای سطح همکاری دوجانبه و تحکیم مناسبات میان دو طرف برای اثربخشی تحقیق و تعقیب جرم و مبارزه با جرائم معرفی شده است. اهمیت این لوایح به دلیل تعقیب و رسیدگی به امور متهمان و مجرمان است که هریک از طرف‌ها آنها را تعقیب می‌کنند و در سرزمین طرف دیگر حاضر هستند. همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد لایحه پیش‌رو مربوط به معاضدت کیفری است لذا در اینجا مفاهیمی از جمله نقض قوانین کشور درخواست‌کننده معاضدت و وضعیت مسئولیت کیفری وی مطرح است. مطابق با فلسفه‌ای که برای انعقاد این موافقتنامه دولت‌های طرف آن اعلام کرده‌اند، فرض بر این است که دولت‌ها به یکدیگر کمک می‌کنند تا طرف مقابل بتواند فرایند شناسایی، تعقیب و مبارزه با جرائم را در برابر اقدامات مجرمانه‌ای که نظم عمومی آن را با چالش مواجه ساخته است، هموار سازد.<sup>۱</sup> از آنجایی که صرف انعقاد و تصویب چنین معاهداتی برای عملیاتی شدن آنها کافی نیست و اجرایی شدن آن مستلزم توجه و پیگیری مستمر طرف‌های آن نسبت به درخواست‌های معاضدت است، انتخاب دستگاهی دولتی برای این پیگیری‌ها لازم است. از این‌رو، مطابق با ماده (۲) موافقتنامه، وزارت دادگستری از جانب جمهوری اسلامی ایران مقام مرکزی اجرای موافقتنامه تعیین شده است. البته این نهاد در واقع به نوعی هماهنگ‌کننده و انجام‌دهنده اقدامات شکلی و نقطه تماس تلقی می‌شود و این امر مانعی برای صلاحیت‌های مراجع قضایی کشور نیست.

### ارزیابی لایحه و پیشنهادها

۱. انعقاد و اجرای معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال برزیل در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری، به جهت ارتقای سطح روابط و همکاری‌های دوجانبه و فی‌مابین بسیار مهم و ضروری است. نکته مهم در این زمینه تحولات سیاسی در برزیل است که به‌موجب آن طیفی به قدرت رسیده‌اند که از هم‌نوایی و هم‌گرایی سیاسی بالایی با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا برخوردارند. بنابراین، در چنین شرایطی حفظ و گسترش روابط با برزیل از طرق مختلف از جمله معاهده معاضدت قضایی در امور کیفری می‌تواند به‌طور نسبی از شدت و حدت تبعات ناشی از همسویی رئیس‌جمهور این کشور با سیاست‌های ظالمانه رئیس‌جمهور آمریکا بکاهد. خصوصاً اگر روند آتی انتقال قدرت در برزیل را مدنظر قرار دهیم که ممکن است طیف بعدی سیاست‌ها و رویکردهایی متفاوت اتخاذ نمایند، بنابراین معاهداتی و موافقتنامه‌هایی از این دست می‌توانند تمهید مقدمات مناسبی جهت گسترش روابط دوجانبه با برزیل باشد.

۱. درخصوص گستردگی و آثار اسناد همکاری‌های حقوقی - قضایی می‌توان به معاهدات استرداد اتحادیه اروپا با کشورهای آمریکای لاتین اشاره کرد که تنها در سال‌های بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ منجر به استرداد ۴۵۵ نفر به اتحادیه اروپا شده است. برای اطلاع بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به:

Study on judicial cooperation, mutual legal assistance and extradition of drug traffickers and other drug related crime offenders, between the EU and its Member States and Latin American and Caribbean (LAC) countries, p. 240, available at: [ec.europa.eu/justice/anti-drugs/.../study-lac-judicial-coopen.pdf](http://ec.europa.eu/justice/anti-drugs/.../study-lac-judicial-coopen.pdf)

۲. برزیل کشوری است که در زمره کشورهای تازه صنعتی شده جای می‌گیرد و عنوان قدرت نوظهور بر آن قابل اطلاق است. طبعاً چنین کشوری از ظرفیت‌های فراوانی جهت تأمین نیازهای اقتصادی کشورمان برخوردار می‌باشد. در واقع، ساختار اقتصادی دو کشور ایران و برزیل مکمل می‌باشند و از این رو است که احتمال همگرایی اقتصادی میان دو کشور را می‌توان در سطوح بالا و مطلوب ارزیابی کرد. به این تحلیل می‌باید وضعیت خاص ایران از حیث تحریم‌های آمریکا را افزود. از آنجا که هدف تحریم‌ها حداکثرسازی فشار بر ایران و منزوی‌سازی کشورمان در صحنه بین‌المللی است، طبعاً معاهداتی از این قبیل می‌تواند راهگشا باشد. به این معنا که همکاری در یک حوزه موضوعی مانند موضوعات حقوقی و قضایی می‌تواند به تشویق و ترغیب طرفین به همکاری در سایر حوزه‌های موضوعی از جمله موضوعات اقتصادی نیز منجر گردد. علاوه بر این باید توجه داشت که همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های قضایی نشان‌دهنده میل به همگرایی بلندمدت بین کشورهای متعاقد نیز می‌باشد.

۳. بند «ب» از شق دوم ماده (۱) به مسئله اخذ شهادت یا اظهارات اشخاص اشاره کرده است. مواد (۷) و (۸) این موافقتنامه ترتیبات لازم برای اخذ شهادت و مدارک را تشریح کرده است.

۴. این معاهده با قید برخی از مقررات تلاش کرده است تا حاکمیت هر دو طرف معاهده را مورد توجه قرار دهد. برای مثال مطابق با ماده (۳)، جرائم سیاسی و نظامی با عنایت به ماهیتشان و تأثیر و تأثر مستقیم آنها بر حاکمیت ملی از زمره جرائم قابل معاضدت مستثنا شده‌اند. باین حال جرائم تروریستی یا تأمین مالی آنها یک جرم سیاسی تلقی نمی‌شود (بند «پ» شق دوم ماده (۳)). از آنجا که تعریف نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از این نوع جرائم الزاماً با تعاریف سایر کشورها یکسان نیست لازم است در نظر داشت که این امر می‌تواند در عمل و مصداق با موانعی از جمله تفسیر و برداشت متفاوت از موافقتنامه مواجه شود.

۵. برخی از مفاد این موافقتنامه مستلزم داشتن برخی امکانات در دستگاه قضاست. برگزاری جلسات رسیدگی به صورت تصویری و انجام ترجمه همزمان که در مواد (۱۲) و (۲۸) مورد اشاره قرار گرفته است مستلزم ارزیابی امکانات دستگاه قضا و توانمندی آن برای انجام درخواست معاضدت است که باید این موارد از منظر اجرایی مورد توجه قرار گیرد.

۶. زمانی که درخواست معاضدت با درخواست تحویل شخص به کشور درخواست‌شونده ارسال می‌شود باید معاضدت محدود به جرمی که درخواست برای آن ارائه شده است محدود شود و لذا نمی‌توان آن شخص را بعد از انتقال به دلیل جرائم دیگری که مرتکب شده است و به درخواست ارتباط ندارد محاکمه کرد. به عبارت دیگر، معاضدت مختص آن جرمی است که در درخواست قید شده است (ماده ۱۱).

۷. یکی از ایرادهای دیگر شورای نگهبان به این نوع موافقتنامه‌ها، خلاف شرع تلقی کردن اطلاق برخی از مواد آنهاست که به شناسایی احکام محاکم و مقررات قوانین آیین دادرسی مراجع غیرمسلمان منجر می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به ایراد مغایرت با شرع مصوبه «معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قبرس»<sup>۱</sup> و مصوبه «معاهده بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در زمینه استرداد مجرمین»<sup>۲</sup> اشاره کرد. در واقع از آنجا که صدور احکام در دادگاه‌های کشورهای خارجی تابع الزامات محتوایی و شکلی آن کشورهاست و از این رو ضرورتاً منطبق بر موازین شرعی نیست، لذا براساس نظر شورای محترم نگهبان، در موارد مشابه، پذیرش این نوع موافقتنامه، مستلزم پذیرش احکام این دادگاه‌هاست که این مهم مغایر با شرع است. این وضعیت در خصوص موافقتنامه حاضر نیز صادق است.

۱. نظریه شورای نگهبان به شماره ۹۴/۱۰۲/۵۰۴۶ مورخ ۹۴/۱۰/۲۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳.

۲. نظریه شورای نگهبان به شماره ۹۲/۳۰/۵۲۲۲۴ مورخ ۹۲/۳۰/۵۲۲۲۴ مورخ ۱۳۹۴/۶/۱۰.

## نتیجه‌گیری

این‌گونه معاهدات می‌توانند موجب تحرک بخشیدن به دستگاه‌های اجرایی کشور شده و با بهره‌مندی از نگاهی تطبیقی به نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر بتوان خلاءهای احتمالی نظام حقوقی ملی را پوشش داد. درعین‌حال موجبات تسهیل مراودات دو کشور و اتباع آنها را نیز فراهم آورد. انعقاد چنین معاهداتی موجب پررنگ‌تر شدن همکاری‌های دوجانبه و کمک اساسی به اجرا و اعمال قوانین کیفری می‌شود بنابراین از این منظر مفید و مؤثر تلقی می‌شود. با این‌همه، نظر به ایراد احتمالی مغایر شرع بودن برخی مفاد این موافقتنامه‌ها، تصویب این موافقتنامه منوط به احراز تشخیص مصلحت و ضرورت در این خصوص است.

